

گفتمان ذهنی جغرافیایی در *اولیس* جیمز جویس: معماری ذهنی کلامی

دوبلین

بهمن زرین جویی^۱

چکیده

شهر، به مثابه نظامی فعال و پویا، نقشه ادبی خودآگاه کلان شهر و مکان فرهنگی، ساختار معینی است که زندگی روزانه انسان را دستخوش تغییر و تحول می‌کند. امروزه شهرها نه تنها از مرزهای جغرافیایی شناخته شده فراتر می‌روند، بلکه بیشتر در قالب ذهنی-کلامی طراحی می‌شوند. این مقاله بر روی شهر دوبلین جیمز جویس (۱۹۴۱-۱۸۸۲)، به مثابه تجسمی از اجزاء معماری ذهنی زبان در *رمان اولیس* (۱۹۲۲)، و برج مارتلو به مثابه نمادی تاریخی تمرکز کرده، و به تبیین تصویر هنرمندانه و زیبایی‌شناسانه جویس از شهر، مکان‌های دولتی و خصوصی، خیابان‌ها، رستوران‌ها، کافه‌ها، بیمارستان‌ها، و به طور کلی تفکرات و سنت‌های شهروندانش می‌پردازد. در این راستا، با بهره‌گیری از نظریه جغرافیای-ذهنی و الگوی جغرافیای کلان شهری مرلین کاورلی نقشه ادبی و کلامی شهر دوبلین مورد کنکاش قرار می‌گیرد. ضمناً، این مقاله نشان می‌دهد که جویس چگونه تصاویر افراد، شهروندان، جامعه و زندگی شهری آنان را با تصاویر ذهنی، و نمادهای معماری، به خصوص معماری واقعی شهر از منظر تجربیات شخصیت‌های قصه‌اش از جمله لئوپولد بلوم، استیفن ددالوس و مالی بلوم را به هم پیوند می‌زند. از یک سو جغرافیای معین طبقات اجتماعی در دوبلین با توجه به پراکندگی انواع خانه‌ها و ساکنین‌اش به آنها شکل داده و از آنها شکل می‌پذیرد، لذا معماری خانه‌ها و خیابان‌ها و نقشه معماری ذهنی ساکنین خانه‌ها با هم ارتباطی دو سویه و تفکیک ناپذیر برقرار می‌کنند. از سوی دیگر جغرافیای ذهنی شخصیت‌های *رمان* به عنوان پرسه‌زانی روشن‌فکر و با بصیرت هنگام پرسه‌زنی یا قدم‌زنی در خیابان‌های مختلف دوبلین مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر آن این مقاله با تمرکز بر نشانه‌های تاریخی-فرهنگی برج مارتلو نشان می‌دهد که چگونه جویس در *رمان اولیس*، لایه‌های معماری بیرونی مکان‌ها، به خصوص برج مارتلو، و لایه‌های درونی آنها شامل لایه‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی-سیاسی و درون ذهنی شخصیت‌های *رمان* را از طریق گفتمان ذهنی-جغرافیایی، ارائه می‌کند. این دانش حاصل پرسه‌زنی و بیداری شخصیت‌ها در خیابان‌های دوبلین است. در واقع کنکاش در مکان به هر خواننده‌ای این فرصت را می‌دهد تا نه تنها تاریخ و فرهنگ هر شهر، بلکه ایده‌آل‌ها، تفکرات، باورها، روش زندگی و هویت ساکنین آن را درک کند. **واژگان کلیدی:** جیمز جویس، دوبلین، جغرافیای کلان شهری، پرسه‌زنی، نقشه ذهنی-کلامی، برج مارتلو.

مقدمه

بازسازی روایت شهرها و تصویرسازیِ خاطراتِ شهروندان در آثار ادبی، به مکان‌ها و ارتباطات بین شهرهای واقعی و متونی که به شهرها نگاهی ویژه دارند، می‌پردازد. داستان‌هایی که به توصیف و تصویرسازی شهرها می‌پردازند، فضای قصه را به شکلی پیچیده با ساختار و نظامی از الگوهای فرهنگی طراحی می‌کنند. مکان‌ها محل تلاقی، نقطه عطف و یا همگرایی جریاناتی هستند که به طور مکرر در شریان شهرهای مختلف از جمله در پایتخت‌ها و کلان شهرها جاری است، و حوادثی که مابین مردم و ایده‌هایی که بین آنان ردوبدل می‌گردد، در همین مکان‌ها به وقوع می‌پیوندند. منابع مکتوب متعددی که مضمون نگارش آن‌ها معطوف به مشکلات و مسائل فرهنگی شهرها می‌باشد، ما را به سمت ویژگی‌های خاص و ناب فرهنگ‌ها سوق می‌دهد. این امر حاکی از آن است که فرهنگ شهرها سازنده و پیکرتراش ماده اصلی جهان پیرامون ما است.

شهرها همواره مرکز تعمق و تفکر فیلسوفان، رمان نویسان، و شاعران بوده‌اند، و نقش‌های یوتوپیایی^۱ و دیستوپیایی^۲ را ایفا می‌کنند، که متفکرانی همچون فیلسوفان و منتقدین را وادار می‌دارد تا در باب چالش‌ها، فرصت‌ها، تنش‌ها و آشوب‌های آنان به تفحص و مطالعه بپردازند. تاریخچه این امر به شهر تروآی هومر،^۳ شهر مقدس در انجیل، "مفهوم افلاطونی روح بشر در قالب آرمان شهر تا تجسم زیگموند فروید^۴ از روم به عنوان استعاره‌ای از قوانین ابدی ذهنی" برمی‌گردد (هاردینگ IX). رابرت پارک ادعا می‌کند، شهر "فراتر از مجموعه افراد و آسایش اجتماعی آنان است. شهر در عوض حالتی از ذهن، مجموعه‌ای از آداب و رسوم و سنت‌ها است. [شهر] محصول [...] سرشت انسان است" (به نقل از پایل ۱).

شهر مجموعه‌ای است که خود را در "روش زندگی، کار و تجارت و سنت‌های شکل گرفته، رفتارها، لذات، جنایات، و خشم انسان‌ها تجسم می‌بخشد" یا به عبارتی بیان می‌دارد (پایل ۱). برای درک اینکه تا چه اندازه زندگی شهری با احساسات انسان در آمیخته است می‌توان آن را در "مجموعه‌ای از پدیده‌های فرهنگی از سینماها گرفته تا نقشه شهر، دیدگاه‌های شهرنشینی و اخلاقیات" جستجو کرد؛ علاوه بر آن شهر با بناها و ساختمان‌هایش "با شکل ظاهری آنها، بناهای غول پیکرو زیرساخت‌های آن"

1. Utopian
2. Dystopian
3. Homer's Troy
4. Sigmund Freud

در ارتباط تنگاتنگ است (همان ۲). به تعبیر رولاند بارث^۱، شهر به مثابه "گفتمان" یا "زبانی" است که با "ساکنین خود گفتگو می‌کند" (بارث ۱۹۵:۱۹۹۴). بنابراین وقتی سال بیلو^۲ شهر را "تجسم تجربیات [فردی و جمعی] انسان می‌داند که شامل تاریخ فردی است" (به نقل از پرستون و سیمپسون-هوسلی ۱)، وی خواننده را به این سو هدایت می‌کند تا به شهرها با نگاهی متفاوت نسبت به توصیف جغرافیایی بنگرد. کولین الارد^۳ روانشناس تجربی حرفه‌ای انگلیسی تبار معتقد است که بناهای شهری نه تنها بر ذهن افرادی که سازنده آنها هستند تأثیر می‌گذارند، بلکه بر فعالیت‌های درون-ذهنی افرادی که با مشاهده بناها آنها را تجربه می‌کنند تأثیر متقابلی دارند (۲۰۱۵:۱۲).

با بررسی و خواندن دوبلین بر اساس آنچه در آثار جیمز جویس تصویرسازی شده است، می‌توان مشاهده نمود که تا چه میزان این شهر مرکز توجه و درک جویس از زندگی کلان شهری است و در عین حال می‌توان نقشه تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی ایرلند را به "دو صورت نوشتاری که هم برسنگ نوشته شده [معماری] و هم بر کاغذ نوشته شده [معماری کلامی یا ادبی]" جستجو کرد (بارث ۱۹۳:۱۹۹۴). مثلاً، روایت *رمان اولیس* (۱۹۲۲) شبیه تصاویر "مونتاژشده‌ای" است که در سرتاسر شهر حرکت می‌کند و به کمک توصیف‌های سریع آشکاری توجه انسان را از روی شخصیت‌های *رمان*-لئوپولد بلوم^۴، استیفن ددالوس^۵ و مولی بلوم^۶ (فارگنولی و گیلسپی ۱۸۷)-به سمت خود جویس تغییر جهت می‌دهد که همچون جغرافی‌دانی-روانشناس عمل می‌کند که ذهن انسان را با جغرافیای دوبلین به هم پیوند می‌زند. به عبارت دیگر، تصاویری که از زاویه دید هر شخصیت در باره دوبلین ارائه می‌شود با احساسات، عواطف، تجربیات و ساختار ذهنی او منطبق هستند.

به طور کلی دوبلین به مثابه مکانی است که "شکل دهنده بخشی از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است که مردم به طور مداوم آن را به کار می‌گیرند تا دنیای طبیعی را به محدوده‌های فرهنگی معنا و تجربیات زندگی" تغییر شکل دهند، در این راستا، گویی دوبلین به عنوان "ابزاری قدرتمند برای تجربه احساسات، عقاید و ارزش‌ها در نظر

1. Roland Barthes
3. Colin Ellard
5. Leopold Bloom
7. Molly Bloom

2. Saul Bellow
4. Montagelike
6. Stephen Daedalus

گرفته می‌شود، در حالیکه همزمان عرصه گفت‌وگو و عملکرد سیاسی است" (گراهام ۴). دوبلین، به عنوان شهری که خواه "در آثار ادبی، هنری، نقشه‌نگاری و حتی دیوار نگاره‌ها، یا در بین عوام" تجسم یافته، نشانه‌ای از فرهنگ ایرلندی "و مردمانی است که آن را خلق کرده‌اند؛" همچنین دوبلین را می‌توان به مثابه متنی زنده و پویا در نظر گرفت که "با موسسات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سازگار شده است تا انسجام [آن جامعه] را پایه‌ریزی کند" (همان).

پیشینه تحقیق

تحقیق درباره جیمز جویس و آثارش بسیار مورد توجه صاحب‌نظران ادبی و منتقدین مدرنیسم، پسامدرنیسم و حتی پسااستعماری بوده است. در مقوله اهمیت مکان و شهر و تأثیر آن در آثار ادبی نیز جویس بارها به چالش کشیده شده است، زیرا مکان و شهر تقریباً درون مایه اصلی تمامی آثارش را تشکیل می‌دهند. لیکن از آنجایی که آثارش پتانسیل خوانش‌های متعددی را دارند، از دیدگاه‌های مختلفی خوانده شده‌اند.

دورا استیونسون^۱ در کتاب خود، *شهرها و فرهنگ های شهری* (۲۰۰۳)، مقوله شهر را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب مجموعه‌ای است که زندگی شهری را از دیدگاه الگوهای فرهنگی به چالش می‌کشد تا حقوق ساکنین آن را از جنبه‌های عینی و ذهنی ارزیابی نماید. جذابیت این اثر توجه آن به نقش زنان در ساختار اجتماعی و عینی شهر و نقشه‌های کلامی و ذهنی آن است. بنابراین جنسیت زنان نگاه متفاوتی را به شهر معطوف می‌کند.

دزموند هاردینگ در کتاب خود، *نگارش شهر: تصاویر شهری و مدرنیسم ادبی* (۲۰۰۳)، بر روی آثار جویس متمرکز می‌شود. او در بخش دوم کتاب مفهوم توپوگرافی شهر دوبلین را در مجموعه داستان‌های کوتاه *دوبلینیها* (۱۹۱۴) مورد بحث قرار می‌دهد و ادعان می‌دارد که این اثر ساختاری ناتورالیستی و مدرنیستی دارد. او در زمانی^۲ دوبلین را در قالب آسب شناسی وراثتی ترسیم می‌کند در حالی که آنتروپی یا آشفتگی‌های زندگی مدرن را شاعرانه جلوه می‌دهد. او بر طبق بُرش‌هایی از تاریخ ایرلند، منظره شهری و زبان جدیدی را که با آن واقعیت را بیان می‌دارد، به تصویر می‌کشد. او در

1. Deborah Stevenson

2. Diachronic

بخش پنجم، *رمان اولیس* را با *رمان نقل و انتقال مانهاتن* (۱۹۲۵) داس پاسوس^۱ مقایسه می‌کند و تفکر مصیبت بار آپوکالیپتیک جویس را از دیدگاه تاریخ فرهنگی بررسی می‌کند. کونر مگگاریگل^۲ در مقاله‌ای تحت عنوان "جویس واکز: بازنقشه نگاری فرهنگ به مثابه تاکتیکی مکانی" (۲۰۰۹) چگونگی بازسازی *اولیس* جویس را بر اساس نقشه‌های وب‌گردی گوگل مورد بررسی قرار می‌دهد. این مقاله بر روی گروه جویس واکز^۳ متمرکز می‌شود، گروهی با ابزار کامپیوتری که دانشی درباره محیط اطراف مناطق شهری دوبلین در اختیار کاربران کامپیوتری می‌گذارند. این ابزار بیشتر به منظور کمک‌رسانی به علاقه‌مندان و خوانندگان و حتی مسافران ادبی طراحی شده است تا در جشن روز شکوفه باران یا بلومزیدی شرکت کنند، چون در این روز طرفداران جویس در خیابان‌های دوبلین به یاد جویس و شخصیت‌های *رمان اولیس* راهپیمایی می‌کنند و در گروه‌های کوچک *اولیس* را بازخوانی می‌کنند و پا جای پای شخصیت‌های *رمان* می‌گذارند تا با آنان هم احساس شوند و قدم‌های پر قدرت‌تری به سوی درک بهتر دوبلین و دوبلینی شدن بردارند. این مقاله الگوهایی از رفتارهای فرهنگی این مراسم را در اختیار می‌گذارد که نگاهی کاملاً پسامدرنی به شهر و شهرپیمایی دارد. مگگاریگل بازسازی کامپیوتری یا مجازی از نقشه شهر را عرضه می‌کند و نشان می‌دهد گروه جویس واکز به مدت هفت سال فعالیت می‌کنند و علاقه‌مندان جویس را با خود به گردش در شهر می‌برند.

بری شیهان^۴ در مقاله "مدل دوبلین جیمز جویس" (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که جویس با نگاه فردی تبعیدی دوبلین را بازسازی می‌کند. او برخوردهای مردم در مکان‌های مختلف را به تصویر کشیده و حوادث و فعالیت‌های واقعی و خیالی مجموعه شهر را بازنمایی می‌کند. البته نگاه این مقاله به مقوله شهرنشینی نگاهی به ابعاد خیال پردازانه شهر است که تا حدودی در زیرمجموعه ذهنیت طبقه بندی می‌شود. روش نظری خاصی بجز نگاه به تبعیدی‌ها در مقاله محسوس نیست و بسیار سطحی و گذرا به روابط ساکنین شهر پرداخته است. تمرکز او بیشتر بر روی گزیده‌هایی از نامه‌های جویس به دوستانش بوده است. سپس با نگاهی جزیی به شخصیت‌های درون قصه پرداخته و پس از آن تحت مقوله مکان در عنوانی جداگانه، و زمان در عنوان دیگری بحث را دنبال می‌کند.

1. Dos Passos's *Manhattan Transfer*

2. Conor McGarrigle

3. JoyceWalks

4. Barry Sheehan

اینکه چگونه آثار جویس تجسم تجربیات شخصیت‌های داستان‌هایش از فضا، مکان و بناهای ساخته شده (اعم از خانه‌ها، فروشگاه‌ها، محل کار، موسسات و اداره‌ها، مکان‌های تفریحی، تاریخی، دانشگاه‌ها و ...) در دوبلین هستند، خود بیانگر تأثیری است که فضاها بر چگونگی تفکر و اعمال شخصیت‌ها دارند. اینکه چرا شخصیت‌های *اولیس* بدنبال انتخاب مکان‌هایی هستند که تأثیر بیشتری بر ذهن آنها داشته‌اند، و چگونه شخصیت‌ها زمانی که در مکان‌های خاصی قرار دارند نسبت به آنها عکس‌العمل‌های مشخصی از خود نشان می‌دهند و اینکه احساسات خود عامل تعیین‌کننده رفتار آنها می‌باشند، اینکه چگونه تأثیر متقابل مکان بر رفتار و تفکر شخصیت‌ها در شکل‌دهی ساختار شهر نقش بسزایی ایفا می‌کند، همه این نکات و از این قبیل، نگارنده این مقاله را بر آن داشت تا خلأ موجود در بررسی این مباحث در آثار جویس را هر چند اندک پر نماید.

مبانی نظری یا مفهومی: مرلین کاورلی و نظریه جغرافیای-ذهنی

تاریخچه نقد جغرافیای-ذهنی بسیار گسترده و مفصل است. از آنجایی که این مقاله از روش تحلیل جغرافیای-ذهنی، شامل نقشه جغرافیایی شهر و نقشه ادبی یا کلامی شهر بهره می‌گیرد و بخش عمده بحث براساس نظریات مرلین کاورلی^۱ خواهد بود، نگاهی اجمالی به آن ضروری است. او در کتابی تحت عنوان *جغرافیای ذهنی* (۲۰۰۶) به تحلیل و پردازش این نظریه می‌پردازد. کاورلی از اصطلاح جغرافیای-ذهنی استفاده می‌کند که علیرغم کاربرد وسیع آن، اصطلاح بسیار پیچیده‌ای است. اسامی افراد زیادی با این روش تحلیل مطرح شده‌اند، از جمله گای دیبورد^۲ و مکان‌شناسان^۳، ایان سینکرا^۴، پیتر آکروید^۵، استیوارت هوم^۶، و ویل سلف^۷ (کاورلی ۲۰۰۶: ۹) از چهره‌های سرشناس این نوع نظریه پرداز می‌باشند. البته واژه جغرافیا خود واژه پیچیده‌ای است که وسعت معنایی وسیعی دارد، و مقوله‌های متفاوتی از جمله جغرافیای مکانی یا ناحیه‌ای، جغرافیای فرهنگی، سیاسی، تاریخی، نظامی، جغرافیای جانوری و گیاهی، و حتی کشاورزی و غیره را در برمی‌گیرد.

1. Merlin Coverley
3. Situationists
5. Peter Ackroyd
7. Will Self

2. Guy Debord
4. Iain Sinclair
6. Stewart Home

لیکن جغرافیای-ذهنی نیز مقوله وسیعی است که تمامی حوزه‌های نهضت‌های ادبی، سیاسی، یا حتی نظریه‌هایی همچون نهضت آوانگارد را تحت پوشش قرار می‌دهد. در واقع به بیان کاورلی "جغرافیای-ذهنی" همه این حوزه‌ها را در برمی‌گیرد (۲۰۰۶:۱۰). ریشه اصطلاح جغرافیای-ذهنی به کشور فرانسه و کلان شهر پاریس در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ برمی‌گردد و گروه لتریست^۱ که همان پیشگامان^۲ "مکان شناسی بین المللی"^۳ هستند، از اولین کسانی بودند که این نظریه را به کار بردند (همان). براساس نظریات دیبورد، جغرافیای-ذهنی ابزاری شد تا الگوهای "زندگی شهری" را ابتدا به سوی "اهداف زیبایی شناختی" و سپس در مراحل پیشرفته آن به سوی نتایج سیاسی سوق دهد^۴ (همان). تعریف دیبورد از جغرافیای-ذهنی این است که "مطالعه تأثیرات خاص محیط جغرافیایی، که به شکل خودآگاه منظم یا نامنظم شده، بر روی احساسات و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد" (به نقل از کاورلی ۲۰۰۶:۱۰). کاورلی معتقد است که جغرافیای-ذهنی محل تلاقی روانشناسی و جغرافیا است، یعنی ابزاری برای کشف تأثیری که مکان‌های شهری بر روی ذهن افراد می‌گذارند. چنین خوانشی، از دیدگاه دیبورد، به خواننده لذتی توأم با ابهام می‌بخشد.

بنیان‌گذاران و آغازگران این نظریه، در حقیقت، پرسه‌زنان شهری^۵، یا کسانی هستند که خود در شهر پیاده‌روی^۶ می‌کنند. اصطلاحات تخصصی دیگری از جمله فلنر^۷ (به کسی اطلاق می‌شود که در شهر ولگردی یا قدم‌زنی می‌کند، یا گشت و گذار بی‌هدف دارد)، استاکر^۸ (به کسی اطلاق می‌شود که مردم را در خیابان تعقیب می‌کند و به دلایل متفاوت یا بی‌هیچ دلیلی مزاحم آنان می‌شود)، استرولر^۹ (کسی یا گردشگری که در شهر قدم می‌زند)، زیرمجموعه افرادی هستند که تحت تأثیر این نظریه به تماشای شهر

1. Lettrist Group

۲. جنبش لتریسم جنبشی است که در فرانسه در دهه ۱۹۴۰ توسط شاعر رومانیایی الاصل ایزیدور ایسو Isidore Isou ظهور کرد و تحت تأثیر دادایسم و سوررئالیسم به وجود آمد. این گروه معتقدند که هنر و ادبیات به استناد رد معنا و استفاده از کلمات به عنوان واحدهای منفک و مجزا مشخص می‌شوند.

3. Situationist International

۴. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره مکان شناسی به صفحات ۲۴، ۳۴، ۸۲، ۸۳، ۹۱، ۹۳، ۹۴ و ۹۹ کتاب جغرافیای-ذهنی (۲۰۰۶) کاورلی مراجعه کنید.

5. Urban Wanderer

6. Urban Walker

7. Flaneur

8. Stalker

9. Stroller

و مطالعه زندگی شهری و لایه‌های متفاوت آن می‌پردازند. در واقع این افراد کسانی هستند که در خیابان‌های شهر و حومه آن به تعقیب افراد چه از منظر واقعی و چه ذهنی مشغول هستند؛ و گاهی در زندگی شخصی آنان سرک می‌کشند و نویسنده به کمک این شخصیت‌ها به تجزیه و تحلیل رفتارهای اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و فرهنگی آنان می‌پردازد. امروزه مطالعات روانشناسی به این نکته اشاره می‌کنند که مواجه شدن افراد با فضاها، تصاویر و بناهای طراحی و ساخته شده شهرها صرف نظر از با اهمیت بودن یا بی‌ارزش بودن آنها تأثیر فراوانی بر رفتارها، احساسات و تفکرات انسان دارند، و درک انسان را نسبت به خود و محیط در گذر زمان تغییر می‌دهند. ساختار و شکل مکان‌ها و بناها نه تنها عواطف انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند بلکه دیدگاه و رفتار او را دستخوش تحولی عمیق نسبت به اراده نهفته در لایه‌های این بناها می‌کند.

مطالعات بعدی توسط ایان سینکلر و استیوارت هوم بر روی آثار نویسندگان و شاعرانی همچون ویلیام بلیک^۱ (۱۷۵۷-۱۸۲۷) شاعر انگلیسی، تامس دی کوینسی^۲ (۱۷۸۵-۱۸۵۹) نویسنده انگلیسی، چارلز پییر بودلر^۳ (۱۸۲۱-۱۸۶۷) شاعر فرانسوی، و غیره انجام گرفته است. پیاده‌روی یا قدم‌زنی نوعی سفر درون شهری است که خود فعالیت شهری محسوب می‌شود. تعریف پیاده‌روی و قدم‌زنی در اعصار و قرون متفاوت و در موقعیت‌های مختلف به دلایل اهداف گوناگونی که دارند، با هم تفاوت فاحشی دارند. این اعمال در قرن بیستم با نگاه و زاویه دید متفاوتی اتفاق می‌افتند، و چشمان نظاره‌گران به دنبال اهداف ساده یا گهگاه پیچیده‌تری هستند. بنابراین روح قدم‌زنی فی‌نفسه با گذشت زمان کالبد جدیدی به خود گرفته است. "خیره‌شدن در محدوده خیابان"^۴ به بیننده فرصت می‌دهد تا نمادهای رسمی شهری را که با نگرستن به حاشیه‌های فراموش شده شهر کشف و جزئیات آنان را بازخوانی نموده و بدین طریق گفتمان جدیدی را خلق نماید (کاورلی ۲۰۰۶: ۱۲). بدین ترتیب فرآیند قدم‌زنی و پرسه‌زنی به استراتژی خاصی با نگاهی خاص توسط بیننده خاص تبدیل خواهد شد، که به دنبال هدف مشخصی تمامی ابعاد شهر، از خیابان‌ها گرفته تا ادارات، موزه‌ها، بیمارستان‌ها، کوچه‌ها، و محله‌های بالا، مرکز و پایین شهر را مورد کنکاش و بررسی قرار می‌دهد، تا نقشه جدید جغرافیای ذهنی شهر را بازنویسی نماید. سینکلر می‌گوید

1. William Blake

2. Thomas De Quincey

3. Charles Pierre Baudelaire

3. Street-level Gaze

که جغرافیای-ذهنی نوعی "تحلیل روانشناختی روان-مکانی است که در آن زندگی می‌کنیم" و سکونت داریم (مصاحبه سینکلر با گاردین). حرکت در مکان‌های مختلف یک شهر سیستم عصبی و ذهن انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال راه رفتن در امتداد خیابان‌های شلوغ شهر با فروشگاه‌های رنگارنگ آکنده از بوی غذاهای متنوع و فعالیت‌های گوناگون افراد بر روحیه و دیدگاه انسان تأثیرات متفاوتی خواهد داشت. کاورلی در کتاب دیگری تحت عنوان هنر پرسه‌زنی: نویسنده پرسه‌زن (۲۰۱۲) وارد جزئیات سفرهای کوتاهی همچون پیاده‌روی و پرسه‌زنی در خیابان‌ها می‌شود. او معتقد است که "راهپیمایی به مثابه عملی زیبایی‌شناسانه که نقش اساسی را در بسیاری از نهضت‌های آونگارد از دادا^۱ گرفته تا سوررئالیسم^۲ و مکان‌گرایی [موقعیت‌گرایی]^۳ ایفا می‌کند و فراتر می‌رود، امروزه به‌عنوان نهضت هنرمکانی^۴ و به اجرا گذاردن هنر اجرایی^۵ مرسوم است (کاورلی ۲۰۱۲:۱۲). کاورلی در این کتاب تأکید می‌کند که قدم‌زنی و پرسه‌زنی به اقتضای اهداف افرادی که قدم می‌زنند، دارای زیرمجموعه‌های متعددی است. او که کتاب را در نه بخش تنظیم کرده است از نویسنده به عنوان پرسه‌زنی روشنفکر یاد می‌کند، یا قدم‌زنی را از نگاه فیلسوف بررسی می‌کند، یا از دید زائری که به زیارت می‌رود، یا کسی که در ذهنش پرسه می‌زند، یا قدم‌زنی بی‌خانمان‌ها، و رابطه پرسه‌زنی را با دنیای پیرامون پرسه‌زن مورد بررسی قرار می‌دهد، پرسه‌زنی با بصیرت و قدم‌زن فلنر را در جایگاه دیگری قرار می‌دهد، قدم‌زدن تجربی را نشان می‌دهد و در نهایت بازگشت فرد از پرسه‌زنی به خانه را ترسیم می‌کند. کاورلی نشان می‌دهد که چگونه در سال‌های اخیر مابین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸، ویل سلف ستون هفتگی روزنامه/یندپندنت را به خود اختصاص داده، و روزانه تحت عنوان "جغرافیای-ذهنی" مقالات و دستنوشته‌های زیادی را به رشته تحریر درآورده است. او در سال ۲۰۰۷ کتابی با همین عنوان منتشر کرد و در سال ۲۰۰۹ کتاب دیگری در همین راستا با عنوان باز هم روان^۶ منتشر نمود.

آثار زیادی از نویسندگان رمان‌نویس از قرن هجدهم تاکنون بر تصویرسازی شهر و زندگی شهرنشینی متمرکز شده اند، به خصوص کلان شهرهایی همچون

1. Dada
2. Surrealism
3. Situationism
4. Land Art Movement
5. *Psycho Too*

پاریس، لندن، نیویورک و حتی دوبلین موضوع بحث و بررسی نویسندگانی همچون دانیل دفو (۱۶۶۰-۱۷۳۱) و چارلز دیکنز (۱۸۱۲-۷۰) و غیره بوده‌اند. بنابراین، شهر در ساختار و بافتار آثارشان نقش مهمی را ایفا می‌کند، به خصوص این نویسندگان نسبت به شهرهای محل تولدشان بسیار حساس هستند و بیش از حد به آن توجه می‌کنند. از جمله این نویسندگان برجسته، جیمز جویس است که شهر دوبلین، یعنی زادگاهش، همواره برایش نقشی کلیدی داشته و تأثیری دوسویه در بازسازی هویتش "که بیشتر شبیه به مهندسی هویت است" (منصوری ۲۰۱) دارد. او بدون تعصب تمامی ابعاد دوبلین را از زاویه دید و لنز شخصیت‌هایش به چالش می‌کشد و خواننده را درگیر معمای تودرتوی ذهن شخصیت‌ها و ساختار شهر می‌کند که زنجیره حوادث و تحلیل آنان پایان ناپذیر است.

دوبلین در اولیس جیمز جویس: نقشه نگاری ادبی

به بیان بنیامین دیزرالی^۱ "شهر بزرگی که تصویرش در خاطرات انسان سکنی دارد، نشانی از عقاید برجسته است. [برای مثال] روم تجسم فتح است؛ ایمان بر فراز برج‌های اورشلیم در حرکت است؛ و آتن تجسم کیفیت برجسته هنر دنیای کهن است. در اعصار مدرن تجارت خالق لندن است" (به نقل از مترو ولاند ۱۳۹). هارولد بلوم معتقد است که "دوبلین جیمز جویس است، همانطور که لندن [ویلیام] شکسپیر و چارلز دیکنز است؛" بنابراین تصور خواننده از دوبلین "تا ابد جویسی است، طنزی از طنزها زیرا همانطور که جویس دوبلین را از خود رانده است آن را برای همیشه بازآفرینی هم کرده است" (به نقل از تومدی XIV). جویس در حال پیاده‌روی با دوست خود فرانک بوگن در باره دوبلین چنین اظهار می‌دارد "قصد دارم تصویری کامل از دوبلین ترسیم کنم که اگر روزی این شهر از روی زمین محو شد، بتوان آن را از روی کتابم بازسازی کرد" (به نقل از بوگن ۶۹). علاوه بر آن بسیاری از منتقدین به نامه جویس که به گرانت ریچاردز^۲ فرستاده است استناد می‌کنند: "هدف من این است که بخشی از تاریخ اخلاقی کشورم را نگارش کنم و من دوبلین را برای صحنه ام انتخاب کرده‌ام چون که آن شهر برای من مرکز بی‌حرکی و سکون است. من تلاش کردم تا آن را به مردم عامی بی‌تفاوت از چهار جنبه عرضه کنم: کودکی، بزرگسالی، بلوغ و زندگی عوام" (مجموعه نامه ها ۸۳).

1. Benjamin Disraeli

2. Grant Richards

این اظهار نظرها نشانه‌ی علاقه و جهان‌بینی جویس نسبت به دوبلین است. جویس در واقع: از دیدگاه اصطلاحات تبارشناسی آدولف هوف مایستر^۱ مفهوم عمیق‌تری از اهمیت دوبلین را طرح‌ریزی می‌کند، به خصوص اهمیت مرکزگرایی-مرکزگریزی^۲ شهر را در ارتباط با گسترش ادبیات: "هر کدام از کتاب‌های من کتابی درباره دوبلین است. دوبلین شهری است که با کمتر از سیصد هزار نفر جمعیت، شهر جهانی اثر من است. دوبلینی‌ها آخرین نگاه من بر روی شهر است. سپس به مردم اطراف خود نگریم. تصویر [هنرمند] تصویر روح معنوی من است. *اولیس* تأثیرات فردی و احساسات را تغییر می‌دهد تا به آنان اهمیتی کلی ببخشد. آثار در حال تدوین اهمیتی کامل‌تر و فراتر از یک شهر واقعی دارد؛ که فراتر از انسان‌ها، اشیاء و حواس می‌رود و وارد حوزه کمال مجرد می‌گردد". (هاردینگ ۲۰)

براساس نظر میشل دوسرتو^۳ "طراحی شهر هم به معنای تفکر در همان تکرار واقعیت و هم به معنای ساخت آن شیوه‌ی تفکر تکرار موثر است؛ این بدان معنی است که چگونه آن را به فصاحت بیان کنیم و قادر به انجام آن باشیم" (۲۶۵). با در دست داشتن نقشه ترسیمی دوبلین در مقابل خویش که "مثل یک زبان ساختاربندی شده است" (بارث ۱۹۲:۱۹۹۴)، فضای دوبلین عواطف و دیدگاه جویس را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد که در تصمیم‌گیری‌ها، اعمال، افکار و دیدگاهش نقش کلیدی ایفا می‌کند. آمیخته شدن تفکرات و احساسات جویس با فضاها و مکان‌های دوبلین وی را به سمتی سوق می‌دهد که در خلق آثارش تحولی عمیق بوجود می‌آید. بنابراین، وی در آثارش و به خصوص در *اولیس* تصمیم می‌گیرد تا دوبلین را به شکل مبتکرانه و خیال پردازانه‌ای بازسازی کند، بسان یک نقشه ادبی و شبکه مضمونی چند آوایی که از طریق آن می‌توان نشانه‌های تاریخ، هنر، فرهنگ، خاطرات، ذهنیت اشخاص، هویت‌ها و غیره دوبلین را شناخت. با تمرکز بر زبان به مثابه ابزاری کلیدی و محوری که او با آن جهان را درک کرده و فرهنگ را می‌سازد، جویس، با نگارش *اولیس*، ادعا می‌کند که می‌خواهد "رنگ و بوی خاص، جو کسالت آور و ملال آور اما در عین حال خیره کننده دوبلین، فضای مه آلود توهم زای آن، سردرگمی از هم پاشیده آن، فضای کافه‌های آن و سکون اجتماعی آن را با کلمات خلق کند" (هاردینگ ۱۲۹)؛ با این وجود آن را بازآفرینی نماید.

1. Adolf Hoffmeister

2. Centripetal-centrifugal

3. Michel de Certeau

آثار جویس مثل تور سیاحتی بزرگ ادبی است که خوانندگان را به مکان های تاریخی، جغرافیایی، و فرهنگی دوبلین می برد و عدم تجانس یا ناهماهنگی خیابانی موجود در مکان ها و زمان های مختلف را به نمایش می گذارد. برای مثال خیابان های مختلفی که برای بلوم حائز اهمیت هستند، شامل خیابان هایی است که خانه های مسکونی بلوم و مالی در آنجا واقع بوده اند، یعنی خانه بلوم در شمال غربی دوبلین، خانه شماره ۷ خیابان اکلس^۱ (این همان خانه واقعی دوست جویس جی.اف. برن است)، و خانه خیابان هولس^۲ نیز نمای دیگری دارد. شایان ذکر است که مفهوم خانه برای جویس فراتر از ساختمان و نمای بیرونی است، او خود در طول اقامتش در دوبلین جمعاً در چهارده خانه اقامت داشت (رهنما ۱۶۴).

جویس در واقع نقشه ای مفهومی و فیزیکی از دوبلین می آفریند. بدین ترتیب، دوبلین به شکلی استعاری در قالب متن و شهری طراحی شده قابل خواندن است و به کمک بافت شناسی شهری-متنی می توان آن را مورد کنکاش و تحلیل قرار داد. این امر قطعاً در ذهنیت گزایی و شکل دهی تجربیات شهرشناسی بسیار حائز اهمیت است. جویس با نگارش و تصویرسازی دوبلین آن را از شهری ساکت، بی روح و منفعل به سوژه ای جهانی و متحرک تبدیل می کند. به علاوه دوبلین استعاره ای از ایرلند است، به بیان هاردینگ "مجاز مرسلی^۳ از شهر به مثابه معماری سبک دوره مستعمراتش" (۵۸) است. هاردینگ اضافه می کند که "دوبلین، با حفظ قالب مفهومی چندمداری جویس، تلفیقی از تصاویر چندگانه شهری است: پایتخت ایرلند؛ نمادی برای همه پایتخت های اروپا (وین، پاریس، لندن، برلین، و روم)؛ تصویری برای سفرهای اودیسه؛ و همان طور که لئوپولد بلوم آن را تحسین می کند فراخوانی اسطوره ای از شهرهای مقدس تخریب شده در گذشته است" (۱۲۹). با این حال به برداشت او دوبلین فراتر از اینها است؛ دوبلین به راستی نمونه ازلی از شهری مدرن است که کلان شهر جویس محسوب می شود. وی در *اولیس*، دوبلین را به ملکه ای دیوانه، پیر و حسود تشبیه می کند که در قالب دولت سلطه طلب بریتانیایی و ایتالیایی نمایان می شود و استیفن با اشاره به تاریخ چنین پاسخ می دهد که منظورش: "دولت امپراطوری بریتانیا [...] دولت کاتولیک رومی مقدس و کلیسای حواریان" (*اولیس* ۲۱) است.

1. Eccles

2. Holles

3. synecdoche

در *اولیس* پیاده‌روی یا قدم‌زنی با بصیرت لئوپولد بلوم و استیفن ددالوس در دوبلین سفری در زمان و مکان است که با مشاهده نشانه‌های فرهنگی و همچنین عملکردهای مکانی، به این شخصیت‌ها این فرصت را می‌دهد تا به کشف و تجربه تاریخ و جغرافیای زندگی دوبلینی نائل گردند. تاریخ دوبلین از یک سو با کمک بناهای تاریخی که فضای شهر را اشغال کرده‌اند و از سوی دیگر با یادآوری خاطرات و رویدادهایی که از زاویه دید شخصیت‌ها به تصویر کشیده می‌شوند، خواننده ادبی را به سوی درک فراتر لایه‌های پیچیده و نهفته تاریخ دوبلین سوق می‌دهد. در فصل‌های پنج و هفت *اولیس* یعنی فصل‌های "لوتوس خواران" و "اؤلوس"، سفر بلوم در خیابان‌های دوبلین کاملاً ملموس است، و خواننده را به "مرکز کلان شهر هایبرنین [ایرلندی]" (*اولیس* ۱۱۴) می‌برد. این مرکز در حواشی ستون نلسون است که به گفته هاردینگ "سمبل حضور قابل تحمل بریتانیای کبیر در ایرلند است" (۱۳۴). دوبلین برای جویس همواره معمایی تودرتو است که شخصیت‌هایش علاوه بر بازتاب معماهای ذهنی خود با راهپیمایی در خیابان‌هایش سعی در حل معماهای این شهر پیچیده دارند، همان‌گونه که در گفتگوی بین استیفن و پروفیسور جی. جی. او مولووی^۱ در *اولیس* می‌آید: "بیا. خوب است، اینطور نیست. [دوبلین] تصویری پیشگویانه دارد. [...] بسان مجموعه‌ای از تروآی توفانی است. پادشاهی این دنیا است. بزرگان مدیترانه‌ای امروزه رعایای آن هستند. [...] رقابت خاصی است. دوبلین. باید بسیار زیاد، زیاد در باره اش بیاموزم" (*اولیس* ۱۴۳).

در بخش ده *اولیس*، "تخته سنگ‌های لغزان"^۲، جویس نمایی کلی از دوبلین را خلق می‌کند، نمایی که استیفن آن را "نگاهی دقیق به اطراف" (*اولیس* ۲۳۹) می‌نامد، در واقع جویس از دوبلین در زمان و مکان مشخصی عکس‌برداری می‌کند. به‌عنوان مثال زمان وقوع حوادث *اولیس* ۱۶ ژوئن ۱۹۰۴ است که "تقریباً به یادبود همان تاریخی که [جویس] اولین بار با نورا بارناکل [همسر خویش] در آن راهپیمایی کرده است"، می‌باشد (گیبسون ۵۱).

دوبلین در *اولیس* مکانی است که در آن شرح زندگی یک روز (همان ۱۶ ژوئن ۱۹۰۴) و معنای زندگی عادی دوبلینی‌ها به تصویر کشیده شده است. این رمان تا حدی توصیف زندگی ظاهری و بیرونی مردم در خیابان‌های دوبلین است. بر این اساس جویس جزییات زندگی در خیابان‌های دوبلین را توصیف می‌کند و لایه‌های چند حسی

1. J.J. O'Molloy

2. "The Wandering Rocks"

زندگی را با توجه به تصاویر، صداها و حتی بوهایی که در کلان شهر موجود هستند به نمایش می‌گذارد، تا شخصیت‌ها و محیط زندگی آن‌ها را با هم مرتبط سازد. بر این اساس جوئیس نه تنها گسترده‌ی زندگی، بلکه تصادفی و نامنظم بودن حوادث زندگی را رقم می‌زند. دوبلین او بازتابی از ظرفیت‌های عملی، تکنولوژیکی، فرهنگی و اجتماعی و حتی نیازها، امیدها، مشغله‌های ذهنی افراد و رویدادهای آن است. دوبلین اندیشه‌ها، فعالیت‌ها، و هویت‌های مردم ایرلند را تبیین می‌کند. جوئیس دوبلینی خلق می‌کند با "زمینه‌ای معناشناختی که در آن ویژه‌گی‌های توپوگرافی فیزیکی شهر با مناظر ذهنی ترکیب شده و توسط ساکنین آن خلق می‌شوند تا دنیای - پارادوکسی - یا پیچیده‌ای از دلالت را خلق کند" (هاردینگ ۳۵-۳۴).

در آثار جوئیس، باید بر لایه‌های معنایی خیابان در دوبلین تمرکز بیشتری نمود، زیرا مکان‌هایی را در خود جای می‌دهد که زندگی روزمره ساکنین، کاربران، معماران، و طراحان را در بر می‌گیرد و مکان‌هایی را شامل می‌شود که لذت، نگرانی، رویارویی‌های اجتماعی، سیاسی، عقاید برجسته و بارز افراد و شخصیت‌ها، جاها و نشانه‌های سلطه و مقاومت و حتی بی‌نظمی‌ها و قانونمندی‌ها، نشانه‌های آشفتگی، نگارش‌خاطرات، اعمال، احساسات، عشق، ترس، تنفر، مراقبت و حتی ناراحتی‌ها را تجسم می‌کند. بدین ترتیب هویت‌ها و رسومات اجتماعی توسط مردم و تجربیاتشان در خیابان‌ها شکل می‌گیرند. برای مثال پرسه‌زنی فلنرگونه بلوم در خیابان‌های دوبلین^۱، که هر کدام به دلیل کاربردهای سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی خاص‌شان اهمیت ویژه‌ای دارند، خود نمایان‌گر نمادهایی مکانی-کلامی هستند. بلوم علاوه بر پرسه‌زنی فیزیکی و رویارویی

1. Dorset St., Eccles St., Capel, Denzile, Tara, Lime, Townsend, O'Connell, Eustace, Brunswick, Cumberland, Gardiner, Kildare, Stamer, Hume, Blessington, Berkeley, Lombard, Prince's, Leeson, Abbey, Marlborough, Dame, Westmoreland, Holles, Fleet, College, Nassau, Grafton, Moore, Henry, Dawson, Molesworth, Frederick, Silver, Mecklenburg, Fitzgibbon, Great Charles, Richmond, William, Sycamore, Jervis, Liffey, Camden, James, Watling, Island, Lord Edward, Parliament, Nelson, Wapping, Clare, Wicklow, Arran, Fownes's, Leinster, Lower Mount, Cecilia, Greek, Heytesbury, Canning, Hardwicke, Cope, York, Bride, Francis, Moss, Green, Mary, Little Britain, George's, Meath, Cuffe, Baggot, Prussia, Hatch, Beaver, Purdon, Cork, D'Olier, Pleasants, Montague, Gardiner, Montgomery, Amiens, Store, Clanbrassil, Winetavern, Camden, Sheriff, King, Temple, Synge, Duke, Hawkins, Talbot, Church, Main, Aungier, Sackville, Wall, Tyrone,

با خیابان‌ها و مکان‌های مختلف، در خاطرات و احساسات روانی خود نیز فرو می‌رود و با آنان درگیر می‌شود و این نشانه‌ای از تطابق ذهن شخصیت با فضایی که در آن قرار می‌گیرد می‌باشد. در واقع در عمل پیاپی‌رویی تنها جسم نیست که مشارکت می‌کند و درگیر است، بلکه انسان از منظر روانی نیز درگیر افکاری است که ذهن او را به خود مشغول می‌کند. راهپیمایی و پرسه‌زنی روشنفکرانه با شخصیت‌های جویس در طول و عرض خیابان‌های دوبلین باعث می‌شود تا همه انواع حوادث، احساسات، نشانه‌های فروشگاه‌ها، مکان‌ها، مردم، و عادات آنان را که در نقشه کلامی شهر مشخص شده‌است، به تصویر کشیده شوند.

استیفن، بلوم، مالی و دیگر ساکنین دوبلین، همچون بویلان، مارتین کانینگهام، آقای پاور و جیمی هنری^۱ و غیره اساساً ارتباطات گوناگونی هنگام پرسه‌زنی در خیابان‌های شهر با یکدیگر دارند. گروهی با نگاه فلنر، و عده‌ای با لنز استاکر و استروالر به اطراف می‌نگرند. در هر حال جنب و جوش آنان در دوبلین با اسم‌های خاصی که دارند، در ارتباط نزدیک و پویایی با مکان، قابل تجزیه و تحلیل است. بدین ترتیب اسامی، معانی را انتقال می‌دهند که توسط ساکنین شهر به آنان اطلاق می‌شود. مثلاً آقای پاور و جیمی هنری که معاون شهرداری است، اسم‌هایشان نمادی از قدرت اجرایی آنهاست. درک شهرها در محدوده خیابان‌ها به وجود می‌آید، یعنی از طریق قدم‌زدن در خیابان‌ها، فرد قادر است تا هنجارهای شهری و محدودیت‌های آن را تجربه نموده و در ذهن خود بازسازی نماید. به علاوه وقتی افراد در شهر قدم‌زنی می‌کنند، عملاً خود مکان را از دست می‌دهند، یعنی مکان برای آنها غایب می‌شود و عمل راه رفتن حضور می‌یابد. پیاپی‌رویی یا پرسه‌زنی در خیابان‌های شهر "شهر را به تجربه اجتماعی وسیعی از فقدان مکان تبدیل می‌کند"، تجربه‌ای که قطعاً "بافت شهری را خلق می‌کند و در نهایت نشانه‌ای را ایجاد می‌کند" که فقط نام شهر را به خود اختصاص می‌دهد (دوسرتو ۲۷۰).

در واقع ارتباط بین سوژه و مکان بنیانی را بنا می‌نهد که مکان را، به مثابه جایگاهی در خلق محصولات فرهنگی که با ساختارهای محسوسی، همچون معماری بناها، نمایش

Whitefriars, Grantham, Harcourt, Irish, Wellington, Pembroke, Governor St.

این لیست شامل تمام خیابان‌هایی است که شخصیت‌های رمان به ترتیبی که توسط جویس نگاشته شده است در آن قدم زده‌اند و انواع فعالیت‌های زندگی عادی خود را در آن‌ها گذرانده‌اند. برای آشنایی با تعدادی از مکان‌های نامبرده به تصاویر موجود در کتاب جیمز جویس چستر جی. آندرسون که توسط هوشنگ رهنما ترجمه شده است مراجعه کنید.

1. Mr. Power and Jimmy Henry

داده می‌شوند، جلوه می‌دهد. فضای شهری ابزاری بصری است، یعنی "جامعه‌پذیری خیابان‌ها پتانسیل درونی مکان را به عنوان "جابجایی و تصرفات مکان" که هیچ نیرویی قدرت سلب صلاحیت یا منع آن را ندارد" توضیح می‌دهد (سزمن و کاپوسی ۲۰۲-۳). فضاهای شهری قادرند تا "ارتباط ناشناخته‌ای مابین افراد مردم با یکدیگر را در سطح" پیچیده‌ای ایجاد نمایند (همان ۲۵۳). مثلاً ارتباطات شغلی در مکان‌های اداری از قبیل اداره پست کوی وستلند، و مکان‌های تفریحی از قبیل پارک فینکس دوبلین، پارک پالمستون، پارک گیت، رصدخانه دان سینک، کافه امپایر، کافه دیوی برن، کافه اورموند و مکان‌های مذهبی از قبیل مدرسه انجمن برادران مسیحی، صومعه مریم مقدس، کلیسای آزاد، کلیسای سنت جوزف در کوی پورتلند، و مکان‌های علمی از قبیل دانشگاه ترینیتی و صدها مکان دیگر که به شکلی نمایانگر لایه‌های زندگی و جغرافیای ذهنی ساکنین شهر می‌باشند. مطالبی که درباره دوبلین در آثار جویس ارائه شده‌اند، به کمک شخصیت‌ها و حتی خوانندگان می‌آیند تا نه تنها شهر بلکه شخصیت‌ها را بشناسند؛ یعنی از بررسی اجزاء و نشانه‌های شهر به درک کلی شهر، شخصیت‌ها و مردم ایرلند برسند. خوانندگان برای کنکاش در تاریخ دوبلین اساساً نیاز به جایگزینی گذشته دوبلین دارند، تا جایگاهش را دریابند و بفهمند که چگونه به کسی که در شهر پرسه‌زنی می‌کند می‌آموزد تا شهر را از دیدگاه جدید ذهنی-جغرافیایی بازآفرینی نماید.

این بدان معنی است که قطعات تشکیل دهنده شهر کنار هم چیده می‌شوند به این امید که زندگی دوبلینی‌ها را در حال و گذشته مجدداً بازسازی نمایند. هر جنبه‌ای از زندگی دوبلینی جنبه دیگری از آن را بهبود می‌بخشد. هر تغییری در دوبلین تأثیرات آشکاری بر جامعه و شیوه پاسخگویی مردم بر یکدیگر می‌گذارد. معماری، مجسمه‌ها و یادبودهای تاریخی در دوبلین، به مثابه نشانه‌هایی جغرافیایی، نشان می‌دهند که چگونه شهر از طریق تخیل، خیال پردازی، واقعیت و احساس فراتر از اطلاعات جغرافیایی فعالیت می‌کند. در *اولیس* نقشه ادبی-مکانی دوبلین نقشه‌ای "خنثی" و "تجربه‌ای مشخص نیست که فوراً قابل درک و شناسایی باشد" (میشله ۵)، بلکه نیاز به دانش هنری، ادبی، روان شناسی، تاریخی و حتی جغرافیایی دارد تا ملموس گردد.

1. Portland

برج مارتلو: نشانه کلیدی از فرهنگی چندآوایی

هر چیزی در دوبلین فضای خاصی را به خود اختصاص می‌دهد، یعنی مکانی دارد. دوبلین در واقع خود گفتمانی است، نقشه‌ای تصویری از فرهنگ ایرلندی، بازسازی نمادین، خیال پردازانه و تجسم تجربیات انسانی است. دوبلین جویس نقشه ادبی استعاری است که به کشف و روایت تاریخ، جامعه، مکان و روان ملت ایرلند می‌پردازد. با مشاهده این مکان‌ها، جنبه‌ها و ابعاد متفاوت شهر در مقابل دیدگان نظاره‌گرانش روشن و مبرهن می‌گردد. دوبلین، در حقیقت، معنایی برای مفهومی است که در ذهن جویس به طور خلاقانه‌ای شکل گرفته است؛ بدین ترتیب، جویس، با استفاده از ساختارهای کلامی افرادی که در شهر پرسه‌زنی می‌کنند، حیات دوباره‌ای به مکان‌های دوبلین می‌بخشد. به بیان چستر جی. آندرسون، "دوبلین شهر طرح‌ها و نقشه‌هاست. [...]" دوبلین در عین حال بخشی به خاطر طرحها و نقشه‌هایش و بخشی نیز به خاطر فضایی که آن طرحها و آبراهه‌ها آفریده‌اند، شهری است سرشار از منظره‌ها و چشم‌اندازها" (رهنما ۱۸). در واقع جویس به شیوه‌ای کاملاً زیبایی‌شناختی معماری سنگی دوبلین را به معماری کلامی دوبلین برمی‌گرداند. او کالبد دوبلین را به موجودی انسانی تبدیل می‌کند، یعنی موجودی که جوهره هستی دارد، بدین ترتیب دوبلین هم می‌بیند و هم دیده می‌شود. در عین حال ساکنین خود را نیز مشاهده کرده و به آنان خیره می‌شود. برای مثال *اولیس* جویس روایتی اطلاعاتی درباره خود دوبلین است. نکته مهم ارتباطی است که بین ساختار ذهنی و تجربه ادراکی شخصیت‌های رمان رخ می‌دهد، که زمینه ارتباط انتزاعی و اجسامی را که در مکان تجربه می‌کنند، فراهم می‌نماید، یعنی ارتباط بین صورت و معنا را برقرار می‌کند.

خیابان‌های هر شهر یادآور خاطرات جمعی نهفته در آن و بخشی از فرهنگ شهر است که افراد و ساکنین شهر را از اطلاعاتی که بر روی نشانه‌ها حک شده‌اند، مطلع می‌سازد؛ در عوض خاطرات نهفته در لایه‌های ساختاری و بناهای شهر در درک این نشانه‌ها حائز اهمیت هستند که نه تنها از گذشته، بلکه از آینده نیز خبر می‌دهند. در این رابطه دوبلین، خیابان‌ها و بناهای آن بازتاب و شکل‌دهنده ارتباطات درونی، ارزش‌ها و دیدگاه‌های ساکنین‌اش می‌باشند. آن‌ها تاریخ، معماری، فرهنگ بصری و ادبی و روایات شخصی افراد را بازگو می‌کنند.

یکی از اهداف ساخت بناها در هر شهری این است که در تفکرات، احساسات، روابط افراد با یکدیگر و محیط و دیدگاه‌های انسان‌ها تغییر و تحول ایجاد نماید. برای مثال،

برج مارتلو یکی از بناهای کلیدی ساخته شده در دوبلین است. این برج از نقطه نظر جغرافیای مکانی، در سندی کوو در ساحل خلیج دوبلین واقع است که در جنوب شرقی شهر دوبلین به مساحت هفت مایل تا مرکز شهر فاصله دارد. این برج نمادی از بناهای انبوه خودگردان و تاسیسات زیربنایی است که نشانه های جغرافیای فرهنگی متعددی را در دوبلین منعکس می‌سازد، و می‌توان به مطالعه معماری آن به مثابه مجموعه‌ای از ارتباطات انتزاعی و تجربیات تجسمی پرداخت، که منعکس کننده ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی گوناگونی می‌باشند. معماری در اصل روایت غیرکلامی، بی صدا ولی دارای پیام فرهنگی است که خود متنی چندآوایی و نشانه‌ای کلیدی محسوب می‌شود تا بازگوکننده روایت تاریخ و فرهنگ ملت‌ها باشد. معماری روایتی است که به ناظری فرضی و سفری به مکان مرتبط می‌شود. رولاند بارت ادعا می‌کند که "معماری همیشه رویا و عملکرد است، بیان یوتوپیا [آرمان شهر] و ابزار فراغت است" (۲۳۹:۲۰۰۰). آنچه به فرهنگ شکل می‌دهد، شامل ساخت مکان‌هایی برای حفظ تجربیات و حافظه جمعی مردم در شهر است که از طریق پروژه‌های هنری و معماری، یا بازنمایی بصری یا روایتی تجسم می‌یابند. برای مثال، می‌توان به نشانه فرهنگی معماری که جویس با عبارتی سنگین و نامأنوس به آن اشاره می‌کند رجوع کرد: "این شن‌های سنگین موجی زبانی هستند. و باد آن‌ها را پر از گل و لای می‌کند. همه اینها، انبوه سنگ‌هایی از سازنده‌های خفته در خوابند، لانه هزارتویی از موش‌های پشمالو. طلا را در آن جا پنهان کنید. سعی کنید. شما خیلی دارید. شن‌ها و سنگ‌ها. بار سنگینی از گذشته را به دوش می‌کشند" (اولیس ۴۵). جویس قادر است تا زبان سنگ، شن و ماسه، مجسمه‌ها و اشیایی را که زمان و مکان برایشان معنی دارد، بخواند و با بیانی و کلامی دیگر به آن‌ها حیات تازه‌ای ببخشد. زبان جویس محتوایی معماری را به کمک ترتیب مکان‌ها، مواد سازنده آن‌ها، ارتباطات اجتماعی و اهداف فرهنگی که با آنان آراسته شده‌اند با خود حمل می‌کند، تا بدین طریق به بازسازی "معناشناسی معانی بناها و مکان‌ها و به کمک معماری به بیان پیام‌های اجتماعی و فرهنگی بپردازد" (پسارا ۲). در واقع معماری هر شهر تاریخ آن شهر را بیان می‌کند و به گفته هاریس، شهر را ملزم می‌کند تا "قدرت اجتماعی مکان را فراهم" و با استفاده از آن "به مکان شکل دهد تا به نوبه خود قدرت اجتماعی را شکل دهد" (به نقل از گراهام ۴).

به عنوان مثال در دوبلین، برج‌های مارتلو یا خانه‌های برج‌مانند ایرلندی با نظام

گیلیک و جدال کاتولیک‌ها با پروتستان‌ها و متجاوزین انگلیسی گره خورده‌اند، و براین اساس پیوندهای مذهبی را با نگاهی سیاسی بازتاب می‌دهند و خواننده را با تاریخ ایرلند، به مثابه شبکه‌ای از بُن‌مایه‌های فرهنگی-اجتماعی، آشنا می‌سازند. بنابراین جویس جغرافیای مکانی، جغرافیای سیاسی و جغرافیای فرهنگی را به شکلی زیبایی‌شناختی به هم پیوند می‌دهد و بدین ترتیب با خلق برج‌های مارتلو در *اولیس* آنان را به اسطوره‌های از تاریخ ایرلند، ادراکات، عواطف و عکس‌العمل‌های مردم نسبت به مکان تبدیل می‌کند. این برج‌ها به مثابه سنگرهای دفاعی کوچکی هستند که در سرتاسر امپراتوری بریتانیا در قرن نوزدهم بنا شده‌اند و معروف‌ترین آنها برج مارتلو در سندی کاو^۱ در نزدیکی دون لائوگیر^۲ است، که جویس چند روزی در آنجا اقامت گزیده بود. اگر تاریخچه برج‌ها مدنظر قرار گیرد، برج‌ها زمانی از سال ۱۸۰۱ تا ۱۹۲۲ را نشان می‌دهند، زمانی که انگلستان و ایرلند از نظر سیاسی با هم متحد شدند و بریتانیای کبیر و ایرلند را تشکیل دادند. علاوه بر آن، این برج‌ها در پاسخ به رفتار و عملکرد ایرلندی‌ها در برابر انگلیسی‌ها بنا شده‌اند. به بیان بدیعی "هیچ ایرلندی شرافتمندی به هیچ امپراتوری خدمت نمی‌کند قطع نظر از اینکه امپراتوری متعلق به چه کسی باشد. [...] [بلوم] نه قدرت انگلیسی‌ها را دست‌کم می‌گیرد نه عقل سلیم آنها را. سیاست خردمندانه آن است که از هر دو کشور انگلیس و ایرلند حد اعلای بهره گرفته شود" (۲۷۶). بدینسان جویس از تاریخ ایرلند پرده برداشته و به خواننده مجال آن را می‌دهد تا آینه‌ای در مقابل گذشته قرار دهد و نگاهی به گذشته بیاندازد، و در آینده پیشی بگیرد تا تماشاگر دنیای حال ایرلند باشد. حتی خواننده قادر است سلطه قدرت زبان را دریابد که در جای خود به شهرنشینی کمک و افری می‌کند. بدین‌گونه برج از قالب‌های جغرافیایی فراتر رفته و سیطره ذهنی کلامی خاصی را به خود اختصاص می‌دهد، برج فقط باروی نظامی نیست، بلکه نمادی از ایرلند، و هویت ایرلندی، و دوبلین و هویت دوبلینی محسوب می‌شود، این برج همانند توصیف بارث از برج ایفل با بینندگان خود سخن می‌گوید، و بیان می‌دارد که تنها یادبود و بنایی معماری نیست، بلکه نشانه "اثری هنری است" (۲۳۹:۲۰۰۰) که زاینده تصاویر ذهنی و تجربیات ساکنین شهر است. برج مارتلو به دوبلین تعلق دارد، و دوبلین یعنی برج مارتلو، این دو با هم پیوندی لاینفک دارند.

علاوه بر داستان‌ها با مضمون جغرافیای فرهنگی، داستان‌هایی درباره دوبلین

1. Sandycove

2. Dun Laoghaire

نگاشته شده‌اند که درون مایه و مضمون آنان تصویرسازی جغرافیای سیاسی شهر بوده و گفتمان‌های "ایدئولوژیکی" خاصی را به خود اختصاص می‌دهند و می‌توان به مساعدت این گفتمان‌ها نشانه‌های سلطه "قدرت" را در لایه‌های معماری شهر یافت (دوسرتو ۲۶۶). برج‌های مارتلوی بریتانیای کبیر و ایرلند به عنوان بخشی از نظام دفاعی محسوب می‌شوند که به گونه‌ای طراحی شده‌اند تا خطوط ساحلی دو جزیره اصلی مجمع‌الجزایر بریتانیا را به طور کلی حمایت کنند. جویس در این برج با الیور سنت جان گوگارتی^۱ مدت کوتاهی در ماه سپتامبر سال ۱۹۰۴ سکونت داشت. گوگارتی کسی است که ابتدا دانشجوی پزشکی بود ولی بعداً در تاریخ ایرلند محبوبیت و معروفیتی به عنوان یک جراح، سیاستمدار و نویسنده کسب نمود. به این دلیل جویس بخش اول رمان *اولیس* را با استیفن ددالوس که با دانشجوی پزشکی مالاچی باک مولیگان در برج زندگی می‌کردند، آغاز کرد. شخصیت مولیگان بر اساس شخصیت گوگارتی طراحی شده است. برج مارتلو در کلام و تصویرسازی‌های جویس بر اساس قوانین معماری طراحی شده است، چنانچه در *اولیس* می‌نویسد: "ثمره منازعه [بین جکی و تامی (برادران دو قلو)] قلعه معین شنی بود که جکی آن را ساخته بود و تامی قصد داشت از خطای او جلوگیری کند، این امر از نظر معماری، به استناد در اصلی شبیه آنچه برج مارتلو دارد اثبات می‌شود. [علیرغم اختلافات این دو، از دیدگاه] هر ایرلندی خانه کوچک‌اش همچون قلعه‌ای برای اوست" (*اولیس* ۳۴۵). با این توصیف جویس اهمیت برج را در زیر بنای زندگی و ذهن دوبلینی‌ها به تصویر می‌کشد، که حتی کودکان در تصاویر ذهنی و بازی‌های رایج خود برج مارتلو را همانندسازی و بازسازی می‌کنند. این برج امروزه نیز از دیدگاه جغرافیای مکانی و معماری بسیار مورد توجه هنرمندان است، به گونه‌ای که موزه‌ای را در خود جای می‌دهد که به جویس اهداء شده است.

با نگاهی به قوم‌نگاری^۲ به روش "توصیف جزء به جزء"^۳ (گیرتز ۶) برج مارتلو در سندی کاو می‌توان دریافت که برج اساساً توسط انگلیسی‌ها برای دفاع در برابر تهاجم قشون ناپلئون ساخته شده است. با توجه به نقشی که برج در زندگی واقعی و در رمان *اولیس* ایفا می‌کند، مشخص است که برج بازتابی از تاریخ و خاطرات ایرلندی‌ها است. آنچه با بازنویسی لایه‌های جغرافیای-ذهنی و گفتمان معماری دوبلین مشخص

1. Oliver St. John Gogarty

2. Ethnography

3. Thick Description

می‌شود، این است که چگونه مکان عیناً در زمان ساخت خود ثبت شده، و با معماری کلامی که توسط جویس بکار گرفته شده، بازخوانی می‌شود. برای مثال در بخش یک "تلماکوس"، برج مارتلو نمادی از جغرافیای سیاسی و استعماری یا حضور انگلستان است که از طرفی قدرت، ثروت و سلطه استعماری بریتانیا و از طرف دیگر زندگی ناقص و عقیم شده ایرلندی را به تصویر می‌کشد. وقتی مردم به برج نگاه می‌کنند آن را هم واقعی و هم خیالی می‌پندارند و خود برج همچون دیده‌بانی به نظر می‌رسد که به مردم خیره می‌نگرد. با بررسی جزء به جزء برج مارتلو که در *اولیس* تصویرسازی شده است، می‌توان به بافت ذهنی و تجربیات مردم ایرلند در زمان ساخت این بنا دست یافت. بنابراین، این بنا انعکاس و تجسم موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مردم ایرلند در آن دوران تاریخی است.

برج مارتلو همچون معمایی است که در خود زندگی می‌کند و فرصت‌های کثیری را برای خوانندگان فراهم می‌سازد تا به عمق لایه‌های گوناگونی از انواع معانی "اساساً به عنوان نظامی نمادین" که با فرهنگ ایرلندی ارتباط دارد، دسترسی پیدا کنند (گیرتز ۱۷). چنین ساختار معماری معماگونه‌ای "ماده اصلی" جغرافیای سیاسی و اقتصادی، یا نظارت گسترده بریتانیایی را ترسیم می‌کند، که مردم ایرلند را تحت کنترل و سلطه خود دارد (بارث ۲۴۱:۲۰۰۰). برجی که توسط بریتانیایی‌ها ساخته شده، عمارتی است که در آن جوان سرخورده بی‌خانمانی نوای آزادی خود را فی البداهه می‌سراید، در واقع پناهگاهی برای مرد جوانی است که از معماهای تودرتوی زبانی، ملیتی، و مذهبی می‌گریزد، یعنی پایگاهی بوهیمینی^۲ است که پدیده‌های بهم ریخته را سامان دهی می‌کند. این برج به انسان کمک می‌کند تا بناهای تاریخی را عمیق‌تر تشخیص دهد و از طریق مشاهده آنها به درکی از خود برسد تا هویت فرهنگی و حقیقی خویش را در آنها باز یابد. با توصیف برج مارتلو، "جویس جستجوی ریشه‌های هویت فراملی [خود] را در نمادهای بومی ایرلند با بیداری ضد بورژوازی و ضد هژمونیک همراه می‌سازد" (منصوری ۱۹۸). در واقع این برج منعکس‌کننده "صدای ملی" ایرلند است (همان).

این امر توجه خواننده/بیننده را به اولین تاریخ مستند دوبلین جلب می‌کند که با یورش وایکینگ‌ها^۳ در قرون هشتم و نهم میلادی آغاز می‌گردد. اینها منجر به تأسیس

1. "Telemachus"

2. Bohemian

3. Vikings

4. Liffey

یک منطقه مسکونی در ضلع جنوبی مصب رودخانه لیفی^۱ شد، یعنی جایی که قایق‌های دانمارکی برای اولین بار در آنجا لنگر انداختند. برج راه‌هایی را نشان می‌دهد که از آن طریق دوبلینی‌ها بارها در دو قرن بعدی از آن منطقه تبعید و دوباره بازگشته و خود را بازیافتند. این برج خواننده را به قرن یازدهم یعنی دوران شکوفایی دوبلین برمی‌گرداند که اساساً به خاطر ارتباط تجاری نزدیک با شهرهای چستر^۲ و بریستول^۳ انگلستان، بزودی مهمترین شهر ایرلند محسوب شده، و اشاره به این امر دارد که از قرن چهاردهم تا هجدهم دوبلین به عنوان شهری ضعیف به تاج و تخت انگلستان ملحق شد و برای مدتی دومین شهر امپراتوری بریتانیا محسوب می‌شد. دوبلین به شکوفایی خود در قرن شانزدهم ادامه داد و ترینیتی کالج^۴ آن به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های جزایر بریتانیا مایه فخر و مباهات ایرلندی‌ها بود که توسط ملکه الیزابت اول تأسیس شد. این حاکی از آن است که تاریخ دوبلین "معمای هزارتویی" است و برج همچون شاهد و روایتگری است که چگونه "دوبلین مهاجرت‌های (درون‌کوچی) دائمی، هجوم‌ها و مهاجرت‌های برون‌کوچی دارد"؛ این شهر تحت تأثیر تغییرات سیاسی و مذهبی فراوانی بوده است و دوران بحرانی و متناقضی از فقر و ثروت را پشت سر گذاشته است، و خود را گاه در عرصه "خود-تحقیری"^۵ و گاه "میهن پرستی افراطی"^۶ مشاهده کرده و مرکزی برای ملی‌گرایی و جهانی‌نگری بوده است " (تومدی ۱). براساس چنین زنجیره‌هایی از نمادها، بناها، نشانه‌ها و ساختارهای تاریخی خواننده در معمای هزارتویی از زندگی دوبلین و ناخودآگاه ذهنی شخصیت‌ها وارد می‌شود. در نتیجه طنین ساده‌ای از کوچکترین و کم‌اهمیت‌ترین نشانه‌ها در دوبلین کلافی از نشانه‌های پیچیده را به ارتعاش درمی‌آورد، به طریقی که کل مکان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در کشف لایه‌های معانی در هر نشانه کلیدی موجود در دوبلین هر قدمی به سوی جلو، راه را برای ظهور معمای هزارتوی پیچیده‌ای از دال‌ها می‌گشاید که به نوبه خود معمای هزارتوی دیگری از ذهن شخصیت‌ها و مردم ایرلند را تا بی‌نهایت خلق می‌کند.

نتیجه‌گیری

1. Chester
2. Bristol
3. Trinity College
4. Self-deprecation
5. Chauvinism

رابطه بین دوبلین و جویس کم و بیش مورد توجه خوانندگان ادبی بوده است و منتقدین متفق‌القولند که آثار جویس خود را به دوبلین محدود و منحصر می‌کنند، "زیرا جویس داستان‌های خود را در مکان‌های خاصی تنظیم کرده است و آن مکان‌ها همیشه در داستان حائز اهمیت هستند، زیرا او شهر را طوری جلوه می‌دهد که واقعاً تجربه‌اش کرده است یا در ذهن‌اش تجربه کرده است" (تومدی ۱۱۹). بررسی حال و هوا و وضعیت شهر، ترسیم کلامی نقشه تجربیات مردم در هر مکانی جزو وظایف جغرافیای-ذهنی هستند که حال و هوای زندگی شهری را کشف می‌کند و تأثیر محیط را بر احساسات، آرزوها و آمال و امیال مردم نشان می‌دهد، همزمان ارتباطات قدرت را در الگوی زندگی شهری آشکار می‌سازد.

بر اساس نظریه دزموند هاردینگ، دوبلین جویس "در نظام نشانه‌ها از خود تغذیه می‌کند و زنجیره پایان‌ناپذیری از دلالت‌ها را که به شکل ناکامی‌ها و اغفال تجسم یافته‌اند، به وجود می‌آورد" (۴۰). لذا این مقاله دوبلین را از منظر جغرافیای ذهنی دوبلینی‌ها مورد بررسی قرار داده است. برای مثال هر نشانه‌ای در دوبلین جویس حسی از نقصان یا اختگی ذهنی و فیزیکی شخصیت‌ها و شهر را بیان می‌کند. صحنه‌های سرگردانی در دوبلین بازتاب خاطرات، فرآیندهای ذهنی و آشفتگی‌های درونی بلوم است. به بیان هاردینگ "منظره-به سان-خاطره/خاطره-به سان-منظره" است (۳۶). با تمرکز بر روی جنبه‌های فیزیکی، اجتماعی، تاریخی، مکانی و روانی زندگی در دوبلین، جویس به عنوان یک جغرافی دان-ذهن (یا جغرافی دان-روان شناس) به گونه‌ای عمل می‌کند که ساختار فیزیکی و جغرافیایی شهر و ساختار ذهنی شخصیت‌های آن را چنان درهم می‌آمیزد که جغرافیای-ذهنی جدیدی می‌آفریند. در *اولیس* تجربیات شخصیت‌های پرسه‌زن از مکان‌ها در فضای قصه همزمان جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و روان شناختی است. در واقع مکان با هویت شخصیت‌ها ارتباط مستقیم دارد و نه تنها با ساخت هویت، بلکه تحت تأثیر شرایط خاص تصاویر ذهنی افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. بدین ترتیب، اصطلاح هویت در فضای شهری به عنوان سئوالی بنیادین که "من کیستم، و به کجا تعلق دارم" و یا "چگونه بدانجا تعلق دارم" بیان و تعریف می‌شود.

جویس نشانه‌ها و رمزها را به گونه‌ای به هم می‌بافد تا فرهنگ ایرلندی را با خاطرات و هویت لئوپولد بلوم و استیفن ددالوس از طریق راهپیمایی در اطراف دوبلین و پرسه‌زنی به این سو و آن سو در دنیای نامتجانس آن به هم ارتباط داده و در کنار

هم بچینند. دوبلینِ جویس در *اولیس* یک فضای صرف جغرافیایی نیست، بلکه در عوض موقعیت احساسی و روان شناسانه شخصیت‌های آن است. با خوانش این اثر به عنوان چشم‌اندازی که رمزها و نشانه‌ها را بازگشایی و معانی را تولید می‌کند، خواننده عملاً وارد ذهنیت دوبلین می‌شود. از یک طرف جویس با استفاده از شخصیت‌ها و حوادث اهمیت زندگی تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اسطوره‌ای و پسااستعماری ایرلند را نشان می‌دهد؛ از طرف دیگر با تصویرسازی جغرافیای دوبلین چنین نکاتی را برجسته می‌کند، با این امید که آن را به مرکز ثقل همه شهرهای دنیا تبدیل کند. با این حال دوبلین همچون جهانی واقعی یا خیالی، خودآگاه مدرنی با لایه‌های پیچیده معنایی یا به قول جویس "ترافیکی" از نشانه‌های کلیدی فرهنگی است، که در جای خود "خالق فاصله [ها] است" (*اولیس* ۶۰۵)، و یا بافتی از نقل قول‌ها بدون علائم نقل قول می‌باشد.

معانی همه اشیاء در دوبلین چند معنایی و قویاً چند مفهومی هستند، که از یک سو به مفاهیم خود شیئی و از سوی دیگر به مفاهیم مرتبط با شخصیت‌هایی که با اشیاء درگیر هستند اشاره می‌کنند. جویس از طریق بازسازی دوبلین در آثارش، مباحث روان‌شناسی و مادی را ماهرانه به هم مرتبط می‌سازد. بدین ترتیب اشیاء قابل مشاهده، خود به نظاره‌گری تبدیل می‌شوند و هویت یکی هویت دیگری را تحت الشعاع قرار می‌دهد. جویس نه تنها عضوی از جامعه دوبلین است، بلکه خود خالق شهر دوبلین، تاریخ و فرهنگ و هویت ایرلندی نیز هست. بنابراین خالق و مخلوق به شکلی زیبایی‌شناسانه به هم می‌آمیزند. او نقشه جدیدی را به اطلس شهر می‌افزاید که سیطره نقشه تبادلات اجتماعی، اسطوره‌ای، خیال پردازی و امیال را در بر می‌گیرد. با تمرکز بر راهی که به روایات ذهنی او و شخصیت‌هایش منتهی می‌شود، او بصیرت جذاب و جدیدی را به روش‌های دیگر می‌افزاید که از آن طریق دوبلین طراحی، درک، بازنمایی و رنگ و لعابی جویسی به خود می‌گیرد.

منابع

- بدیعی، منوچهر (مترجم). *اولیس جویس: عصاره داستانی، هری بلامایزر، ماتیو هاجارت، دان گیفورد*. تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۹۳.
- رهنما، هوشنگ (مترجم). *جیمز جویس. چسترجی. آندرسون*. تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۷.
- منصوری، شهریار. "فراسوی تفکر پسااستعماری: هویت فراملی و تقابل ملی‌گرایی در ادبیات مدرن ایرلندی." *دو فصلنامه علمی پژوهشی نقد زبان و ادبیات خارجی*، دوره دهم، شماره ۱۴، پیاپی ۲/۷۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴: ۲۱۸-۱۹۵.
- Barthes, Roland. *A Roland Barthes Reader*. Ed. Susan Sontag. London: Vintage, 2000.
- Barthes, Roland. *The Semiotic Challenge*. Transl. Richard Howard. Berkeley: U of California P, 1994.
- Bell, Daniel A. and Avner de-Shalit. *The Spirit of Cities: Why the Identity of a City matters in a Global Ages*. Princeton: Princeton UP, 2011.
- Budgen, Frank. *James Joyce and the Making of Ulysses and other Writings*. Intro. Clive Hart. London: Oxford UP, 1972.
- Chríost, Diarmait Mac Giolla. *Language and the City*. New York: Palgrave Macmillan, 2007.
- Coverley, Merlin. *The Art of Wandering: The Writer as Walker*. Harpenden: Oldcastle Books, 2012.
- Coverley, Merlin. *Psychogeography*. Harpenden: Pocket Essentials, 2006.
- Cresswell, Tim. "Night Discourse Producing/Consuming meaning on the Street." *Images of the Street: Planning, identity and control in public space*. Nicholas R. Fyfe. Ed. London: Routledge, 2006. 261-71.
- Crouch, David. "The Street in the Making of Popular Geographical Knowledge." *Images of the Street: Planning, identity and control in public space*. Nicholas R. Fyfe. Ed. London: Routledge, 2006. 158-172.
- de Certeau, Michel. "Walking in the City (1980)." *Cultural Theory: An Anthology*. Eds. Imre Szeman and Timothy Kaposy. Oxford: Wiley-Blackwell, 2011. 264-273.

- Ellard, Colin. *Places of the Heart: The Psychogeography of Everyday Life*. New York: Bellevue Literary Press, 2015.
- Fargnoli, A. Nicholas and Michael Patrick Gillespie. *Critical Companion to James Joyce: A Literary Reference to His Life and Work*. New York: Facts On File, 2006.
- Fyfe, Nicholas R. Ed. *Images of the Street: Planning, identity and control in public space*. London: Routledge, 2006.
- Gibson, Andrew. *James Joyce*. London: Reaktion Books, 2006.
- Geertz, Clifford. *The Interpretation of Cultures*. New York: Basic Books, 1973.
- Gilbert, Stuart. *James Joyce's Ulysses: A Study*. New York: Vintage Books, 1958.
- Graham, Brian. Ed. *In Search of Ireland: A cultural geography*. London: Routledge, 2003.
- Harding, Desmond. *Writing the City: Urban Visions & Literary Modernism*. New York: Routledge, 2003.
- Joyce, James. *Selected Letters of James Joyce*. Ed. Richard Ellmann. London: Faber and Faber, 1975.
- Joyce, James. *Ulysses*. Eds. Hans Walter Gabler et al. New York: Vintage Books, 1986.
- McGarrigle, Conor. "JoyceWalks: remapping culture as tactical space." ISEA, Belfast, 2009. 1-7.
- Metro-Roland, Michelle M. *Tourists, signs and the City: The semiotics of Culture in an urban Landscape*. Burlington: Ashgate Publishing Company, 2011.
- Michelet, L. Fabienne. *Creation, Migration, and Conquest: Imaginary Geography and Sense of Space in Old English Literature*. Oxford: Oxford UP, 2006.
- Parsons, Deborah L. *Streetwalking the Metropolis: Women, the City, and Modernity*. Oxford: Oxford UP, 2003.
- Pile, Steve. *Real Cities: Modernity, Space and the Phantasmagorias of City Life*. London: SAGE Publications, 2005.
- Preston, Peter and Paul Simpson-Housley. Eds. *Writing the City: Eden, Babylon and the New Jerusalem*. London: Routledge, 2002.

- Psarra, Sophia. *Architecture and Narrative: The formation of space and cultural meaning*. London: Routledge, 2009.
- Rendell, Jane. "Displaying Sexuality: Gendered Identities and the Early Nineteenth-Century Street." *Images of the Street: Planning, identity and control in public space*. Nicholas R. Fyfe. Ed. London: Routledge, 2006. 74-90.
- Sheehan, Barry. "James Joyce's Model Dublin." Academic Articles: Dublin Institute of Technology ARROW@DIT (1 February 2016).
- Sinclair, Iain. Interview with Stuart Jeffries. *The Guardian* (Saturday April 24, 2004). www.classiccafes.co.uk/isinclair.htm.
- Stevenson, Deborah. *Cities and Urban Cultures*. Philadelphia: Open UP, 2003.
- Szeman, Imre and Timothy Kaposy. Eds. *Cultural Theory: An Anthology*. Oxford: Wiley-Blackwell, 2011.
- Tomedi, John. *Bloom's Literary Places: Dublin*. Philadelphia: Chelsea House Publishers, 2005.